



کاهش آمار طلاق در استان تهران

علی القاصی، رئیس دادگستری کل استان تهران گفته، مجموع آمار طلاق در استان تهران در شش ماهه نخست امسال نسبت به مدت مشابه در سال گذشته، ۷۸۴ مورد کاهش داشته است. به گزارش قوه قضائیه، رئیس کل دادگستری استان تهران بر ادامه اجرای طرح‌هایی چون «طلاق بدون آسیب» و «کارگاه‌های آموزشی ویژه زوجین» در مجتمع‌های شورای حل اختلاف تأکید کرد و از کاهش طلاق‌های ثبت‌شده در تهران، نسبت به میانگین کشوری و رسیدن به رتبه ۱۳ استان تهران خبر داد: «در راستای پیشگیری از بروز اختلافات خانوادگی، طی شش ماهه نخست سال ۱۴۰۴، برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای متنوعی اجرا شده است. از جمله این برنامه‌ها می‌توان به برگزاری کارگاه‌های مشاوره پیش از ازدواج، طرح «همیاران خانواده پایدار» برای آموزش مهارت‌های زندگی و دوره‌های توانمندسازی مشاوران خانواده اشاره کرد.»



۸۰۰ هزار زن سرپرست خانوار

مریم خاک‌نگین، مدیرکل دفتر امور زنان و خانواده سازمان بهزیستی کشور درباره برنامه‌های مرتبط با حمایت از زنان سرپرست خانوار گفت: «خانواده‌های دارای فرزند چندقلو تا دهک هفتم و تا پایان شش‌سالگی فرزندان، تحت پوشش مستمری قرار دارند و هیچ پشت‌نوبتی در این بخش وجود ندارد.» به گزارش ایسنا او گفت: «نظرات استان‌ها پیش از ابلاغ برنامه‌ها، دریافت می‌شود و برنامه‌ها به‌صورت مشارکتی و با لحاظ شرایط اجرایی استان‌ها، نهایی می‌شوند. بودجه این دفتر از ۲۵۳ میلیارد تومان در سال گذشته به ۴۰۸ میلیارد تومان در سال جاری افزایش یافته و دو ردیف برنامه‌ای جدید از جمله برنامه «مراقب همراه» به آن افزوده شده است.» خاک‌نگین گفت: «۲۸۴ هزار زن سرپرست خانوار، ۴۳ هزار خانواده دارای فرزند چندقلو و در مجموع حدود ۸۰۰ هزار نفر از زنان سرپرست خانوار، فرزندان آنان و خانواده‌های دارای فرزند چندقلو، تحت پوشش سازمان بهزیستی‌اند.»



پیشگیری از فلج اطفال با واکسن ایرانی

محسن زهرایی، رئیس اداره بیماری‌های قابل پیشگیری با واکسن وزارت بهداشت، از اجرای برنامه ملی ایمن‌سازی تکمیلی فلج اطفال، با استفاده از واکسن تولید داخل خبر داد و گفت: «این برنامه با تمرکز بر مناطق پرخطر به‌ویژه استان‌های جنوب‌شرق کشور اجرا می‌شود و در مرحله نخست، حدود ۷۵۰ هزار کودک زیر پنج سال، اعم از ایرانی و غیرایرانی، تحت پوشش واکسیناسیون قرار می‌گیرند.» رئیس اداره بیماری‌های قابل پیشگیری با واکسن وزارت بهداشت، درباره جزئیات اجرای عملیات ایمن‌سازی تکمیلی فلج اطفال در کشور گفت: «برنامه واکسیناسیون تکمیلی فلج اطفال، هرساله با توجه به شرایط اقلیمی متفاوت استان‌ها، طراحی و اجرا می‌شود.» او افزود که گروه هدف این طرح، کودکان زیر پنج سال، اعم از ایرانی و غیرایرانی، بدون توجه به سابقه قبلی دریافت واکسن‌اند: «این برنامه تحت عنوان «عملیات ایمن‌سازی تکمیلی» اجرا می‌شود و در آن، تمام کودکانی که در محدوده عملیاتی قرار دارند، دو قطره واکسن خوراکی فلج اطفال دریافت می‌کنند.»

گفت‌وگو با مردم و تحلیل جامعه‌شناسان درباره اعتراضات و آنچه این روزها در ایران می‌گذرد

مردم در تعلیق و انتظار



رادیولوژی بود و به واسطه شرایط زندگی، چندان در جریان اعتراضات نبود، اما حالا اعتقاد دارد که در سه‌سال گذشته شرایط اقتصادی و معیشتی مردم به‌شدت نامساعد شده و با اعتراضات موافق است. او می‌گوید در سال ۱۴۰۱ دانشجوی بودم، بیشتر سرگرم کار و درس بودم، وضعیت هم به‌اندازه امروز بد نبود و در مجموع چندان در جریان اعتراضات نبودم اما الان در مدت‌زمانی که گذشته، شرایط بدتر شده است و من هم با اعتراضات موافقم: «قبلاً مسئله اعتراضات مربوط به مسائلی مثل حجاب بود، اما الان شکم‌های خالی بیشتر شده است. قبلاً هر چه می‌گفتند ما کنار می‌آیدیم، اما الان، نه حقوق درستی داریم، نه احوال خوبی. دانما هم می‌گویند اگر ما نباشیم، وضع شما بدتر می‌شود. من موافقم که ادامه شرایط فعلی را نپذیریم. فکر می‌کنم اعتراضات، مطالبه من را هم تا حدی نمایندگی می‌کند، اما معتمد که اعتراضات باید هدفمند باشد، مطالبه مشخصی داشته باشد و همه گروه‌ها هم حضور داشته باشند؛ نه اینکه پراکنده باشد.» رضا اسدآبادی، روزنامه‌نگار است و در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ همراه اعتراضات بود، اما امسال تنها از مطالبات اقتصادی مردم حمایت می‌کند: او می‌گوید به‌عنوان یک روزنامه‌نگار با دیدگاه‌های چپ به روشنی می‌بیند که در برخی تجمعات - چه در برخی دانشگاه‌ها، چه در برخی محلات. شعار مرگ بر چپ‌ها - به‌عنوان نیرویی که هیچ‌وقت سهمی از قدرت نداشته - هم سر داده می‌شود که البته بیشتر ناشی از تبلیغات رسانه‌های سلطنت‌طلب است: «برخی از آنها از هم‌اکنون بدون کسب قدرت سیاسی نیز برای ما پیام تهدیدآمیزی فرستند. حق اعتراض و تجمع برای هرکسی، با هر عقیده‌ای محفوظ است و نباید سرکوب شود؛ ولی علاوه بر مشکل گرایش سیاسی، بخش زیادی از نیروهای حاضر در این اعتراضات، مشکل دیگری هم وجود دارد و آن این است که سبک عملکرد میدانی اعتراضات فعلی هم بدون مداخله ویرانگر نظامی خارجی در این شرایط راهی برای تغییرات سیاسی باز نمی‌کند.»

میلاد هم ۲۲ ساله، کارمند و ساکن تهران است و فکر می‌کند تردید گروه‌هایی از مردم برای حضور در اعتراضات به چند دلیل روشن برمی‌گردد: «در این اعتراضات چند مسئله به‌صورت هم‌زمان شکل گرفته است. آن تریبون‌هایی که به‌طور معمول در دنیا به اعتراضات می‌پردازند، مربوط به طبقه متوسط‌اند. طبقه متوسط ما شامل آحاد مردم و جریان روشنفکری، بعد از جنگ اسرائیل تجربه جدیدی به‌دست آورد و به این نتیجه رسید که نیروی خارجی، اهداف سیاسی ندارد و می‌خواهد با کیان این سرزمین مقابله کند و موجودیت ایران به‌خطر می‌افتد. به‌همین دلیل کمی در نگرش خود به مسئله اعتراضات اقتصادی، دست‌به‌عصارت نگاه می‌کند و نگران است که زمینه مداخله خارجی شکل بگیرد. مسئله دیگر هم این است که تقریباً همه ملت و طبقات ایران بعد از جنگ، احساس کردند یک روح جمعی دارند که به زیرساخت‌های کشور حساس است و این نگرانی هم از مداخله خارجی و تهدید این زیرساخت‌ها مزید بر علت شد.» او می‌گوید مسئله دیگر هم تحولات رسانه‌ای اسرائیل در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور است که به‌طور واضح با اسرائیل همکاری می‌کنند و تحولات آنها دافعه ایجاد کرد که مبادا کسی که اعتراض دارد، تحت فرمان آنها اعتراض کرده باشد: «از طرف دیگر، مبدأ اتهامات روزه‌های اخیر بازار بود و باید در نظر داشت که به‌طور سنتی آحاد مختلف جامعه ما از نظر جهتگیری سیاسی و اقتصادی چندان با بازار هم‌پوشانی ندارد. از قضا بخش بزرگی از بازار هم شروع کننده اعتراضات بود که معمولاً کسی دید مثبتی به آنها ندارد؛ به‌همین دلیل علاقه‌کسی به آنچه مورد اعتراض آنها بود زیاد توجه نکرد. مجموع این عوامل باعث شد که دامنه این اعتراضات با سال‌های گذشته متفاوت شود. برداشت‌ها از منشأ مشکلات اقتصادی در کشور ما در بین اقشار مختلف، خیلی متفاوت است؛ برای مثال عده‌ای احساس می‌کنند منشأ این مسائل اقتصادی، ناترازی هاست و عده‌ای دیگر تصور می‌کنند، این نوع نگرش به مسئله ناترازی هاست و برای همین برداشت کلی نسبت به منشأ مشکلات اقتصادی وجود ندارد. به‌همین دلیل تصور می‌کنم معترضان به

از حقوق اساسی ملت است. این اصل در واقع بیانگر حق آزادی اعتراض مدنی از طریق اجتماعات و راهپیمایی‌هاست. بدیهی است قانون اساسی نمی‌خواسته از آزادی راهپیمایی به‌نفع نظام سیاسی و درود گفتن به دولت بگوید. دولت‌ها از جمله در ایران هیچ‌گاه برای تظاهرات طرفداران خود مانع و رادعی نمی‌تراشند و حتی خودشان این قبیل راهپیمایی‌ها را شکل می‌دهند. قصد قانون اساسی در اصل بیست‌وهفتم این است که از حق ملت در برابر سوءاستفاده از قدرت و خودکامگی دولت در برابر ملت محافظت کند.»

مردم چه می‌گویند؟

فرشته، زن ۳۵ ساله ساکن کرج است و می‌گوید باور نداشتن به ایجاد تغییر، باعث‌شده است که برخی از مردم با تردید با موضوع اعتراضات اخیر رویه‌رو شوند: «فکر می‌کنم که مردم آمیدی برای تغییر ندارند، حداقل با این روش و با توجه به تجربیات گذشته، درست است که در سال ۱۴۰۱، بعد از اعتراضات برخی اتفاق‌های مثبت رخ داد، اما خیلی از مردم هم جان خود را از دست دادند و آن‌طور که من شنیدم، این بار به‌شدت با معترضان برخورد می‌کنند و انگار خیلی از مردم باور کرده‌اند که با اعتراض کردن، چیز خاصی تغییر نمی‌کند.» فرزین هم صاحب کسب‌وکار آزاد و ساکن رشت است؛ او اعتقاد دارد تجربه سرکوب اعتراضات در سال‌های گذشته و سرخوردگی، باعث‌شده است که بخشی از مردم با تردیدهایی رویه‌رو شوند، با این حال مطالبه مردم روشن است: «در باره کلیت موضوع تردیدی وجود ندارد، در سال ۱۴۰۱ هم برخی استان‌ها مثل گیلان، مازندران، کردستان و... ماجرا را شروع کردند و همیشه هم شلوغ بودند، اما الان می‌بینیم که در این استان‌ها خبری نیست. یکی از دلایل آن هم این است که هرکسی در این شهرها، یکی از جانب‌اختگان اعتراضات قبلی را می‌شناسد. البته که در سال ۱۴۰۱ هم از نسل ما کسانی که در خیابان بودند کمتر بودند، چیزی که من در میان هم‌سپن‌وسالان خود می‌بینم این است که انگار به خیابان رفتن مادر سال ۹۶ تمام شد و حالا از افراد کم‌سپن‌وسال انتظار بیشتری داریم. نوعی سرخوردگی هم وجود دارد؛ ما رفتیم و اعتراض کردیم، اما شنیده نشد و توسری خوردیم و الان این نگرانی‌ها را داریم.» «اعتراضات باید هدفمند باشد و مطالبه روشنی داشته باشد؛» این را مریم، ۲۴ ساله می‌گوید که در سال ۱۴۰۱ دانشجوی رشته



سارا سبزی
خبرنگار گروه جامعه

جامعه در تعلیق و انتظار. آنچه در ۹ روز گذشته، شهرهای ایران را درگیر کرده و از هر گوشه و کنار، صدایی منتقل کرده است، حالا موضوع تحلیل‌ها و بررسی‌های مختلف است. آنچه مردم می‌خواهند و آنچه نمی‌خواهند، مطالبات و انتظارات‌شان و موضوعات مورد اعتراض‌شان، هم بین سخنان مسئولان ده‌بالا جای‌دا کرده، هم بین تحلیل‌گران و جامعه‌شناسان، یکی از بهرسمیت‌شناختن اعتراضات می‌گوید و یکی از مماشات‌نکردن دستگاه قضایی با کسانی که «اغتشاشگر» می‌دانند. از طرف دیگر، تعداد زیادی از مردم به‌دقت اتفاقات و تحولات را دنبال می‌کنند و درباره پیوستن یا نپیوستن به اعتراضات فکر می‌کنند. از طرف دیگر، اعتصاب مغازه‌داران و بازاریان در بعضی شهرها به فضای مجازی هم کشیده شده و تعداد زیادی از فروشگاه‌ها و صفحه‌های فروش کالا به‌طور مرتب اعلام می‌کنند تا اطلاع‌ثانوی، فعالیت‌نمی‌کنند.

حالا امید یا ناامیدی، از دست رفتن سرمایه و اعتماد اجتماعی و تعلیق و انتظار، جامعه ایران را تبدیل به یک مطالعه موردی با جامعه آماری میلیونی کرده است: کسانی مانند محمدجواد غلام‌رضا کاشی، جامعه‌شناس از «حراست مردم از مردم» نوشته و کامبیز نوروزی، حقوق‌دان از «حق اعتراض مدنی و تکلیف دولت به برقراری امنیت معترضان»، کاشی در کاتال تلگرافی‌اش در این باره نوشته است: «آنچه در عرصه سیاست امروز موضوعیت پیدا کرده، حراست از مردم در مقابل امکان‌های صدور شرارت از سوی بازی‌های کلان سیاسی است. مردم خواسته یا ناخواسته به سمت سازه‌های کوچک اما پایدار قدرت جمعی پیش می‌روند. سودای بی‌سرانجام حکومت مردم بر مردم، اینک به حمایت مردم از مردم انجامیده است. مسیر دشواری پیش‌رو وجود دارد. فهم تازه، سخن تازه، بازنگران تازه و الگوهای ارتباطی تازه می‌طلبد. اگر هوادار اسلام هستیم یا ایران یا هر نام هویت‌بخش دیگر، باید پرسیم چه کمکی به این فرآیند می‌کنند.» کامبیز نوروزی هم با بررسی مواد قانون اساسی درباره حق اعتراض مردم نوشته است: «حق آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی،

حالا امید یا ناامیدی، از دست رفتن سرمایه و اعتماد اجتماعی و تعلیق و انتظار، جامعه ایران را تبدیل به یک مطالعه موردی با جامعه آماری میلیونی کرده است؛ کسانی مانند محمدجواد غلام‌رضا کاشی، جامعه‌شناس از «حراست مردم از مردم» نوشته و کامبیز نوروزی، حقوق‌دان از «حق اعتراض مدنی و تکلیف دولت به برقراری امنیت معترضان»

توقع اصلی مردم: بازگشت به حق انتخاب

نمایان کرده است؛ اعتراضی برآمده از انباشت بلندمدت ناامیدی‌های تکرارشونده و وعده‌های محقق‌نشده. اعتراضات امروز ایران را نمی‌توان صرفاً به یک قشر، یک نسل یا یک مطالبه خاص تقلیل داد. شاهد نوعی «گسست عاطفی» میان جامعه و نهادهای تصمیم‌گیر هستیم. مردم مدت‌هاست احساس می‌کنند که دیده نمی‌شوند، شنیده نمی‌شوند، در اولویت قرار داده نمی‌شوند و کیفیت زندگی روزمره‌شان در معادلات کلان، کمترین اهمیت را نیز دارا نبوده است. شاید این احساس به‌حاشیه‌رانده شدن، مهم‌ترین موتور اعتراض بوده باشد؛ نه صرفاً گرانی، نه فقط بیکاری و نه تنها طرد، محرومیت و محدودیت‌های اجتماعی-سیاسی، بلکه



شیرین احمدیان
جامعه‌شناس

در این روزها که شاهد اعتراضات و تنش فراگیر اجتماعی در سطح کشور هستیم، نباید از یاد برد که این جامعه سال‌هاست زیر فشارهای هم‌زمان اقتصادی، فرهنگی، نسلی و نهادی نفس می‌کشد و امروز این فشارها بار دیگر، خود را به زبان اعتراض

ترکیب همه این‌ها توأم با حس بی‌قدرتی را می‌توان در این مجموعه اعتراض‌ها که شهرهای کوچک و بزرگ را دربر گرفته، سراغ گرفت.

مردم مدت‌هاست نمی‌خواهند در تصمیم‌هایی که به‌طور مستقیم بر بدن، معیشت، آینده و کرامت خود و سرزمین‌شان اثر می‌گذارد، غایب باشند. توقع اصلی، بازگشت «حق انتخاب» است؛ حقی که در عرصه‌های مختلف، از سبک زندگی تا سیاست‌گذاری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محدود شده یا نادیده گرفته شده است. اگر به نقش زنان در این اعتراضات نیز توجه کنیم، نقشی که ایشان، به‌ویژه زنان جوان ایفا می‌کنند، مدت‌هاست که دیگر نقشی حاشیه‌ای یا صرفاً نمادین نیست. زنان را در خط‌مقدم کنشگری مطالبه‌گرایانه، بیان نارضایتی و عصیان می‌بینیم. زنان نسل اندر نسل، در مقام هویت به‌حاشیه‌رانده‌شده‌ای، فشارهای ساختاری را به‌شکلی مضاعف تجربه کرده‌اند. بدن زنانه در جامعه ایرانی، همواره میدان کنترل پدرسالاری سلطه‌جو بوده و همین تجربه تاریخی، زنان ایرانی را به کنشگرانی آگاه و جسور تبدیل کرده که امروز می‌بینیم به‌صحنه‌گردان اقدامات